

فصلنامه حسابداری سلامت، سال دوم، شماره چهارم، شماره پیاپی (6)، زمستان 1392، صص. 1-18.

بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگ اسلامی بر پایه ابعاد هافستد بر شفافیت گزارشگری مالی و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی (مطالعه موردی: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

دکتر بابک جمشیدی نوید¹، زهرا نوری^{2*}

تاریخ دریافت: 1392/09/18 تاریخ اصلاح نهایی: 1393/02/29 تاریخ پذیرش: 1393/09/10

چکیده

مقدمه: حسابداری منعکس‌کننده بخشی از عملکرد واحدهای اقتصادی است و تحت تأثیر عامل‌های مختلف محیطی قرار می‌گیرد. یکی از این عامل‌ها ارزش‌های فرهنگی است. استفاده از نتایج پژوهش هافستد ممکن است در تفسیر ارزش‌های فرهنگی در سازمان‌های ایرانی ایراداتی داشته باشد اما به نظر بیشتر صاحب‌نظران ابعاد فرهنگی هافستد در برگیرنده جنبه‌های اصلی یک فرهنگ است. این پژوهش به بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگ اسلامی بر پایه ابعاد هافستد بر دو مقوله شفافیت و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی می‌پردازد.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی - پیمایشی است و داده‌های مورد نیاز از طریق توزیع پرسش‌نامه بین حسابداران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمانشاه و واحدهای تابعه آن جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل 160 نفر از حسابداران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمانشاه و واحدهای تابعه آن است که با استفاده از فرمول کوکران 101 نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. هم‌چنین، تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش به روش رگرسیون ساده انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که چهار بُعد فرهنگی فاصله قدرت، مردگرایی، فردگرایی و اجتناب از اطمینان نداشتن رابطه مثبت و معناداری با دو جنبه شفافیت و پاسخ‌گویی دارد و تأثیر آن‌ها بر این دو مقوله تأیید شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به فرهنگ اسلامی و اینکه ابعاد ارزش‌های فرهنگی هافستد می‌تواند در برگیرنده جنبه‌های اصلی یک فرهنگ باشد، می‌توان با بکارگیری این ابعاد به ارزش‌های فرهنگی حاکم بر حسابداران، با نگرش اسلامی، پی برد و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف حسابداری را بررسی کرد. بر این اساس، می‌توان در جهت تقویت دو جنبه مهم و اساسی در گزارشگری مالی یعنی شفافیت و پاسخ‌گویی گامی اساسی برداشت.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های فرهنگی، ابعاد فرهنگی هافستد، شفافیت گزارشگری مالی، سطح مسئولیت پاسخ‌گویی.

1. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

2. کارشناسی ارشد حسابداری از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه.

* نویسنده مسئول؛ رایانامه: zeitoun.f@gmail.com

مقدمه

محیطی مؤثر بر محیط حسابداری، شامل فرهنگ، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه بازار سرمایه، سطح تورم، قوانین مالیاتی، نظام حقوقی و سطح آموزش است (2). از بین این عوامل، فرهنگ مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر توسعه حسابداری است و تاکنون بیش‌ترین تأکید پژوهش‌ها بر آن بوده است. نتایج پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهد که فرهنگ هر کشور عامل مهمی است که بر نظام حسابداری تأثیر دارد. گری و وینت (3) به بررسی تأثیر فرهنگ بر افشای اطلاعات حسابداری (بُعد پنهان‌کاری/شفافیت اطلاعات) در 27 کشور پرداختند. آنان میزان افشای یک‌سری اقلام مالی و غیرمالی (اعم از اختیاری و غیراختیاری) را به عنوان تعریف عملیاتی پنهان‌کاری/شفافیت اطلاعات در نظر گرفتند. به این ترتیب که هر زمان در صورت‌های مالی شرکت‌های موجود در یک جامعه تعداد بیشتری از این اقلام افشا شود، میزان پنهان‌کاری حسابداری در آن جامعه کم‌تر خواهد بود. گری و وینت با محاسبه میانگین شاخص‌های افشا در بین شرکت‌های مورد مطالعه، شرکت‌ها (و جوامع) را بر اساس درجه افشای اطلاعات طبقه‌بندی کردند. سپس، با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی ارقام مربوط به شاخص‌های افشا و شاخص‌های فرهنگی/اجتماعی محاسبه شده به وسیله هافستد، به بررسی تأثیر فرهنگ بر افشای اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان دهنده وجود روابط قوی بین ارزش‌های فرهنگی جوامع (بویژه اجتناب از اطمینان نداشتن و فردگرایی) و میزان افشای اطلاعات حسابداری در کشورهای مورد بررسی بود. در

در کشورهای پیشرفته، مسئولیت پاسخ‌گویی، جایگاه ویژه‌ای در چارچوب نظری حسابداری و گزارشگری مالی دولت‌ها پیدا کرده و به اصلی‌ترین عامل ارزیابی و مقایسه نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی دولت‌ها تبدیل شده است. در ارزیابی و مقایسه نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی دولتی، ظرفیت مسئولیت پاسخ‌گویی نقش اساسی ایفا می‌کند. مسئولیت پاسخ‌گویی و نتیجه طبیعی آن سودمندی در تصمیم، دو ارزش اساسی در حسابداری و گزارشگری مالی دولتی است. این دو ارزش اساسی، پایه هدف‌های گزارشگری مالی دولت را فراهم می‌کند. به دلیل آن‌که دولت، در مورد الزام به رعایت بودجه مصوب، اجرای عملیات و مباشرت باید پاسخ‌گو باشد ناگزیر است اطلاعاتی فراهم کند که برای ارزیابی مسئولیت پاسخ‌گویی سودمند باشد. در جوامع پیشرفته امروزی پاسخ‌گویی جزو لاینفک تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت بوده و پس از اتمام دوره برنامه با حسابرسی‌ها و حساب‌کشی‌ها نتایج عملکرد هر دستگاه به صورت ملموس و کاملاً واقعی و جامع در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد (1).

در ایران، نیز مفهوم مسئولیت پاسخ‌گویی می‌تواند به عنوان معیاری اساسی در ارزیابی قابلیت‌های نظام حسابداری و گزارشگری مالی دولت جمهوری اسلامی ایران استفاده شود. تمام دستگاه‌های دولتی نیازمند سنجش تأثیر رویدادهای مختلف بر منابع تحت کنترل خود هستند. اجماع عمومی بر عامل‌های

پژوهش مزبور از متغیرهای ارائه شده به وسیله هافستد در مورد ابعاد فرهنگ در توضیح تفاوت بین نحوه گزارشگری و افشا در کشورهای مختلف استفاده شد. براساس بررسی ارزش‌های فرهنگی و تأثیر آن، تلفیق مباحث نظری و نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که ایران، راه درازی تا رسیدن به توسعه حسابداری در پیش دارد و برای پیمودن این مسیر باید از پشتوانه فرهنگی بسیار قوی برخوردار شود (4).

مبانی نظری

شفافیت گزارشگری و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی اغلب صاحب‌نظران متخصص در امور مالی نهادهای بزرگ بخش عمومی بر این عقیده هستند که حسابداری و گزارشگری مالی یکی از ابزارهای اصلی ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخ‌گویی عمومی است و سنگ‌بنای کلیه گزارش‌های مالی دولتی است. سیاست کلی و عوامل اصلی نظام گزارشگری مالی دولتی تأمین‌کننده اطلاعات مالی مورد نیاز برای ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخ‌گویی حاکم بر منابع مالی عمومی، به ترتیب، در قانون اساسی و قانون محاسبات عمومی پیش‌بینی شده است (5). مسئولیت پاسخ‌گویی دولت را ملزم می‌کند در مورد اعمالی که انجام می‌دهد به شهروندان توضیح بدهد و در مورد افزایش منابع مالی عمومی و نحوه‌ی مصرف آن، دلایل منطقی ارائه کند. این مسئولیت دولت بر پایه این عقیده استوار است که شهروندان حق دارند بدانند و حق دارند حقایق به صورت علنی و قابل اطمینان به دست آن‌ها و نمایندگان قانونی آن‌ها برسد. پاسخ‌گویی یعنی یک فرد یا سازمان متعهد می‌شود در مورد اعمال، غفلت‌ها،

خطرها و وابستگی‌ها به ذینفعان مختلف حسابداری داشته باشد. شفافیت، مسئولیت‌پذیری و رعایت سه‌بال پاسخ‌گویی هستند. شفافیت به اشتراک گذاشتن فرایند و اطلاعات با ذینفعان است. مسئولیت‌پذیری، به مسئول دانستن خود نسبت به اعمال، غفلت‌ها و فرآیندها اشاره دارد و موجب بهبود مستمر در نظام‌ها و فرآیندها می‌شود. رعایت هم بر موظف‌بودن در خصوص رعایت استانداردهای پذیرفته شده در مورد رویه‌ها و خط‌مشی‌ها و نیز الزامات قانونی دلالت می‌کند (6).

ارزش‌های فرهنگی هافستد و انتقادهای وارده بر آن بدیهی است حسابداری که منعکس‌کننده بخشی از عملکرد فعالیت‌های تجاری واحدهای اقتصادی است، تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی ملی و سازمانی قرار دارد. نظریه ابعاد فرهنگی مطرح شده به وسیله هافستد (1980-1990) را می‌توان به عنوان بزرگ‌ترین الگوی موجود در تشریح روند توسعه فرهنگی جوامع قلمداد کرد. به اعتقاد هافستد، ابعاد فرهنگی (شامل فاصله قدرت، اجتناب از اطمینان نداشتن، فردگرایی، مردگرایی و افق دید افراد جامعه) قادرند تفاوت‌های فرهنگی موجود در ملل مختلف را تبیین کنند.

از میان الگوهای مختلف مطرح شده برای مطالعه ابعاد فرهنگ، در این پژوهش از الگوی پنج‌بعدی هافستد استفاده خواهد شد. یک دلیل مهم برای انتخاب این الگو، علمی و کاربردی بودن آن است. دلیل دوم آن است که داده‌های پایه در آن، افزون بر گستردگی و حجم بالا، ارزش‌های مرتبط با کار را

بررسی کرده است. دلیل دیگر انتخاب الگوی هافستد آن است که ضمن ارائه الگوی پنج بُعدی از فرهنگ نتایج آن در سازمان‌ها را نیز مورد بررسی قرار داده است. هافستد (7) چهار بُعد از پنج بُعد خود را از مطالعه داده‌های پیمایشی ارزش‌های افرادی بدست آورد که در شعبه‌های محلی یک شرکت چند ملیتی در بیش از 50 کشور جهان کار می‌کردند. وی با استفاده از کار یک پژوهشگر کانادایی به نام میشل هریس باند جهت‌گیری درازمدت در برابر جهت‌گیری کوتاه‌مدت در بُعد پنجم را تحت عنوان جهت‌گیری درازمدت در برابر جهت‌گیری کوتاه‌مدت اعلام کرد. باند در پژوهش خود با استفاده از پرسش‌نامه‌های ساخته شده به وسیله اذهان شرقی، چین را مورد مطالعه قرار داده بود. تعاریف هافستد از پنج بُعد فرهنگ در زیر آمده است.

فاصله قدرت: این بُعد با محدوده‌ای مرتبط است که در آن اعضای جامعه بر این باورند که قدرت در سازمان‌ها و مؤسسه‌ها به‌طور نامساوی توزیع شده است. به عنوان نمونه، در جوامع با فاصله‌های زیاد قدرت، افراد گرایش دارند که ترتیب سلسله مراتبی را بپذیرند که در آن هر کس جایگاهی دارد که نیاز به توجه بیشتر ندارد. در حالی که در جامعه با فاصله کم از نظر قدرت افراد گرایش دارند که برای تساوی قدرت تلاش کنند و بیشتر افراد به این نابرابری‌ها توجه دارند. ویژگی مشخص این بُعد گرایش به توجه به اموری مانند ضرورت مشورت با زیردستان یا پذیرش مدیریت و نظام آقا بالاسری است.

مردگرایی/زن‌گرایی: مردگرایی معیاری است که میزان گرایش افراد جامعه به داشتن رفتاری جسورانه

در برابر برخورد متواضعانه را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، به معنای گرایش افراد جامعه به برتری طلبی، قهرمان‌پروری و دلاوری است. در مقابل، زن‌گرایی به معنای گرایش افراد جامعه به برقراری ارتباط، تواضع و فروتنی، مراقبت از ضعیف‌ترها و بهبود کیفیت زندگی است.

جمع‌گرایی/فردگرایی: این بُعد با درجه همبستگی ایجاد شده بین اعضای یک جامعه یا رابطه بین فرد و سایر افراد جامعه ارتباط دارد. فردگرایی همبستگی آزادانه قالب اجتماعی در یک جامعه را ترجیح می‌دهد، به این معنی که افراد از خود و خویشاوندان درجه یک خود مراقبت می‌کنند. جمع‌گرایی دلالت بر همبستگی محکم قالب اجتماعی دارد. به این معنی که در آن افراد می‌توانند از خویشاوندان خود انتظار داشته باشند که از آن‌ها مراقبت کنند یا بدون تردید به آن‌ها وفادار باشند. فردگرایی در جوامعی وجود دارد که در آن‌ها رابطه بین افراد بسیار ضعیف و کم‌رنگ شده است. در این جوامع افراد تنها مراقبت از خود و خانواده درجه یکشان را وظیفه خود می‌دانند. جمع‌گرایی در جوامعی وجود دارد که در آن‌ها مردم از همان ابتدای زندگی، خود را در بین جمعی پیوسته و متحد از افراد می‌بینند و حمایت و مراقبت از آنان را وظیفه همیشگی خود می‌دانند.

اجتناب از اطمینان نداشتن: این بُعد با درجه و مقداری مرتبط است که در آن اعضای یک جامعه با ابهام و تردید احساس ناراحتی می‌کنند. امر اساسی در اینجا، نشان دادن عکس‌العمل جامعه در مقابل این حقیقت است که آینده مشخص نیست و افراد تلاش

کشورها به خاطر چنین خوبی همواره هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. به خاطر خودکامه بودن نوع این جوامع، این نظام‌ها با مشکل جدی فروپاشی روبه‌رو هستند. نکته‌ی دیگری که قابل طرح است این است که اتفاقاً جمع‌گرایی باعث تقویت روحیه تعاون و همکاری بین اعضا می‌شود، به همین دلیل باعث بالارفتن کارایی می‌شود.

نقدی بر بُعد مردگرایی/زن‌گرایی: این مورد نیز از چند جهت قابل توجه است. اول اینکه اگر منظور وی از صفات مثبت روحی و حس نوع دوستی در جوامع غربی است، این خلاف شرایط موجود است. نکته دوم اینکه بخشی از صفاتی که وی به عنوان صفات جوامع با روحیه‌های زنانگی عنوان کرده‌اند مربوط به مسائل فطری و ایمانی اشخاص است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد به عنوان بُعد زنانگی/مردانگی جامع نیست و این مطلب از نوع نگاه وی به فرهنگ نشأت می‌گیرد. زیرا هافستد در بحث جایگاه مذهب در فرهنگ معتقد است که مذهب از عوارض فرهنگ است نه از عامل‌های ریشه‌ای. به عبارت دیگر، مذهب در نظر وی جزء هسته‌ی مرکزی فرهنگ نیست، در حالی که اگر این مطلب را می‌پذیرفت که مذهب از ریشه‌های اصلی فرهنگ است، می‌توانست این صفات را ناشی از مذهب و اعتقاد دینی به شمار بیاورد.

نقدی بر بُعد جهت‌گیری درازمدت/کوتاه‌مدت: آنچه در نقد اعتبار این بُعد به نظر می‌رسد آن است که در استقلال این بُعد، به نحوی که هافستد تعریف می‌کند، از ابعاد دیگر تردید بیشتری وجود دارد. زیرا میزان احترام به سنت‌ها و تعهد به آن‌ها، اهمیت دادن به

می‌کنند که هم آینده را کنترل کنند و هم اجازه دهند که موضوعی در آینده اتفاق بیفتد. در جوامعی که اجتناب از اطمینان نداشتن ضعیف است افراد به طور طبیعی گرایش دارند که به نسبت احساس امنیت کنند، در حالی که در جوامع با اجتناب قوی از اطمینان نداشتن افراد گرایش دارند که برای ایجاد آینده تلاش کنند. زیرا آینده اساساً غیرقابل پیش‌بینی است و درجه بالاتری از نگرانی وجود خواهد داشت.

جهت‌گیری درازمدت/کوتاه‌مدت: نشان دهنده میزان اتکای جوامع به ظرفیت‌های تجزیه و ترکیبی ایشان است. در جوامع دارای افق دید درازمدت، سعی می‌شود بخش‌های مختلف به طریق مستحکم و تعدیل‌پذیر با یکدیگر ترکیب شوند. افراد چنین جامعه‌ای با صبر و بردباری زیاد حاضر به پذیرش کند ترکیب بخش‌های مختلف با یکدیگر هستند. اما در جوامع با افق دید کوتاه‌مدت، سعی می‌شود تا کل به اجزای آن شکسته شود. در این جوامع، بر حفظ نسبت‌ها، پابندی به تعهدات اجتماعی صرف نظر از بهای آن‌ها، پایداری برای باقی ماندن در وضعیت اجتماعی برابر با دیگران، پایین بودن میزان پس‌انداز و دستیابی سریع به نتایج امور تأکید می‌شود.

نقدی بر جمع‌گرایی/فردگرایی: از دید هافستد در بحث جمع‌گرایی و فردگرایی بین فردگرایی و ثروت و هم‌چنین، بین جمع‌گرایی و فقر همبستگی وجود دارد. در حالی که با تأمل بیشتر روی این موضوع باید عوامل دیگری را مورد بررسی قرار داد، اینکه کشورهای غربی با خوی استعماری و فردگرایی ثروتمند هستند درست است اما باید توجه کرد که این

فرهنگ و نه مبانی آن طبقه‌بندی کرده است و در میان عامل‌های مؤثر بر فرهنگ، آن را یک عامل رو بنایی و نتیجه تأثیرپذیری از عامل‌های دیگر می‌داند (8).

روش پژوهشگران در بررسی ابعاد الگوی هافستد در این پژوهش ابعاد پنج‌گانه هافستد از نظر عمومیت و فراگیر بودن در میان ملت‌ها پذیرفته شده و این یک مزیت قوی تجربی و ثابت شده است. به عبارت دیگر، از هافستد پذیرفته می‌شود که جوامع مختلف را می‌توان از نوع نگاه آن‌ها به این پنج بُعد شناسایی کرد اما در نوع بررسی این ابعاد شیوه‌ای که دنبال می‌شود بر مبنای ارزش‌های اسلامی به عنوان هسته اصلی فرهنگ است.

فرهنگ اسلامی بر پایه ابعاد هافستد

برای تعریف و شناسایی مفهوم فرهنگ اسلامی سزاوار است ابتدا تعریفی از دین اسلام ارائه شود تا با استفاده از آن فرهنگ اسلامی شناخته شود. شریعت اسلام عبارت است از کلیه‌ی حقایق معارف احکام و دستوراتی که خداوند متعال دانستن آن را برای بشر لازم می‌داند. حال با تعریفی که از دین اسلام ارائه شد می‌توان با توجه به تعریف و معنی آن مفهوم فرهنگ اسلامی را تعریف کرد. به عبارت دیگر، اگر برداشت ما از فرهنگ، مجموعه عقاید، باورها، الگوها و راه و رسم زندگی باشد، در این صورت می‌توان گفت فرهنگ اسلامی عبارت است از مجموعه عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسم، الگوها، روش و شیوه‌های عمل برگرفته از قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم السلام). در این صورت معیار ارزیابی

قضاوت‌های دیگران، وفاداری به هنجارها و تعهدات اجتماعی، میزان عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری، روحیه چشم و هم‌چشمی و توجه به آبرو و یا تعهد به هدف‌ها و رسالت و ... را می‌توان با ابعاد دیگری توضیح داد که قبلاً توسعه داده شده است. بر این اساس، یک احتمال آن است که نوعی همبستگی بین ویژگی جهت‌گیری درازمدت و ویژگی مردانگی و متقابلاً بین جهت‌گیری کوتاه‌مدت و ویژگی زنانگی وجود داشته باشد. به تعبیر دیگر، این احتمال مطرح می‌شود که جهت‌گیری درازمدت حاصل ضرب جمع‌گرایی و مردانگی و جهت‌گیری کوتاه‌مدت حاصل ضرب جمع‌گرایی و زنانگی باشد. احتمال دیگر این است که جهت‌گیری کوتاه‌مدت را نوعی قشری‌گرایی، اضطراب و سطحی‌نگری و تعلق به حال (دم) و ناشی از طبعی‌نامن (به‌طور جوهری) و مسلکی شاعرانه دید. براساس این احتمال، هافستد استدلال و تأمل کافی برای دستیابی به عمق این تفاوت و تمایز ظاهری به عمل نیاورده است.

جایگاه مذهب در فرهنگ ملی

هر تعریف یا طبقه‌بندی که از فرهنگ ارائه شود شامل مذهب نیز می‌شود. مذهب نیز مجموعه‌ای گسترده از ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و آداب و رسوم است. مذهب با پاسخی که به سؤال‌های اساسی مربوط به خدا، معنویت، زندگی اخلاقی و سرنوشت نهایی انسان و جهان ارائه می‌کند، جایگاهی مهم را در بین عوامل مؤثر بر فرهنگ ملی به خود اختصاص می‌دهد. هافستد ضمن بر شمردن مذهب در شمار عامل‌های مؤثر بر تفاوت‌های فرهنگی، آن را در شمار نتایج

دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی افراد نیز از روشنی و وضوح بیشتری برخوردار است. پایه و اساس برابری و نابرابری نیز عدالت است که شامل موزون بودن مجموعه از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر، رعایت تساوی و نفی هر گونه تبعیض، رعایت حقوق افراد، قرار دادن هر چیزی در جای خودش و افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه آن (11).

نگرش اسلام به بُعد جمع‌گرایی/فردگرایی: در فرهنگ اسلامی بعد از پذیرش اصالت فرد، جامعه نیز دارای اهمیت فوق‌العاده است و احکام اجتماعی نیز دلیل بر همین موضوع است. از دیدگاه اسلام هم فرد مهم است و هم جامعه و به عبارت دیگر برای هر کدام از افراد به شخصه، احکام و دستوراتی وجود دارد که دال بر استقلال و حفظ شأن و منزلت خود است و هم چنین، احکام و دستوراتی را دال بر توجه به گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی مثل خانواده، فامیل، بستگان و اجتماع مسلمین دارد.

نگرش اسلام به بُعد مردگرایی/زن‌گرایی: در فرهنگ اسلامی فطرت بشری اقتضای تفاوت بین زن و مرد است. یعنی با توجه به توانایی‌های هر یک از زن و مرد تکالیف و وظایفی را به آن‌ها محول کرده و با توجه به این توانایی‌ها نصیبی را نیز می‌برند. نگاه اسلام به جنسیت بیان‌کننده این است که هر دو جنس دارای هویت همانند، خلقت برابر، تساوی حقوق، شئون اجتماعی و دخالت اراده هستند.

توجه شود که در بررسی هافستد بیان شده بود روحیه حاکم به جوامع زنانه عاطفه و ترحم و موارد

فرهنگ هر یک از جوامع اسلامی و افراد مسلمان رعایت کردن عناصر مذکور بر کلیه روابط چهارگانه ایشان با خدا، خود، طبیعت و جامعه است. حال اگر فرهنگ بنا بر تقسیم‌بندی که به خدا محوری و انسان محوری شد در نظر گرفته شود و منظور از فرهنگ همان فرهنگ خدا محور باشد، در این صورت مفهوم فرهنگ اسلامی را می‌توان بینش و نگرشی براساس اعتقادات و باورهای اسلامی و با توجه به دید کلی اسلام نسبت به انسان، مبدأ و معاد و ارزش‌های اسلامی برای مسلمانان دانست. یعنی، فرهنگ اسلامی به معنای مجموعه‌ی بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی است که با توجه به شرایط موجود در جامعه همچون روحی در کالبد آن جامعه جریان دارد و به اعمال و رفتار افراد معنا می‌بخشد. در این صورت هسته‌ی مرکزی فرهنگ اسلامی را همان توحید و ایمان به خدا تشکیل می‌دهد که اساس و شالوده‌ی دین اسلام است و با سایر اعتقادات اسلامی زنجیره‌ای از عادات و آداب را پدید می‌آورد که خود بُعدی از هستی اجتماعی می‌شود (9).

فرهنگ اسلامی ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که اهم آن‌ها عبارت است از: الهی بودن از حیث مبدأ و معاد نسبت به انسان (قرآن مجید)، انسانی بودن فرهنگ اسلامی، ثابت بودن مبانی و اصول، پویا بودن فرهنگ اسلامی و جهانی بودن فرهنگ اسلامی (10).

نگرش اسلام به بُعد فاصله قدرت: بحث از برابری و نابرابری در اسلام ارتباط مستقیم با مباحث سیاست و جامعه دارد و نگاه به این دو بستگی به کلیت جهان هستی یا جهان‌نگری انسان دارد. هر اندازه تفسیر فلسفی از جهان و حیات و زندگی روشن باشد

دیگر است. توجه به این نکته ضروری است که با توجه به نقش اساسی زن در تربیت فرزندان و انتقال این عاطفه و محبت به فرزندان در جوامع اسلامی برخلاف جوامع غربی که مردان بهره کم‌تری از تربیت مادری و عاطفه سرشار وی برده‌اند، همواره در جامعه اسلامی انسان‌ها با توجه به تعلیمات و بهره بردن از عاطفه سرشار نسبت به همدیگر مهربان و نسبت به محیط خود دلسوز هستند. به عبارت دیگر، این زنان هستند که با روح بلند خود مردان را در اجتماع کنترل کرده و عاطفه خود را در اداره‌ی جامعه جاری می‌کنند.

نگرش اسلام به بُعد اجتناب از اطمینان نداشتن: اسلام همیشه در صدد کشف مجهولات و کم کردن ابهامات است ولی این به معنای آن نیست که در جامعه‌ی اسلامی مسلمانان در مواجهه با ابهامات و ناشناخته‌ها ضعیف هستند؛ بلکه جامعه‌ی اسلامی به خاطر ویژگی‌هایش همواره از ابهامات به عنوان فرصت استفاده می‌کند. جایگاه علم و رفع ابهام به واسطه کسب علم و فناوری در فرهنگ اسلامی و اهمیت خاص به علم و آموزش نشان دهنده این مطلب است. مسلمانان در مواجهه با ابهامات یا توجه به آموزه‌های دینی بسیار قوی و معقول عمل می‌کنند و در مواجهه با ابهامات به دنبال انجام تکلیف خود هستند. در نتیجه، افرادی خطرپذیر هستند.

نگرش اسلام به بُعد جهت‌گیری درازمدت/کوتاه‌مدت: در فرهنگ اسلامی انسان موجودی است دارای هدف‌های والای انسانی که بیشتر این هدف‌ها مربوط به زندگی اخروی اوست و موجودی است هدفمند دو بُعدی (جسم و روح)

دارای علم و آگاهی. یکی از نیازهای اساسی او نیاز به حقیقت است. در فرهنگ اسلامی شخص مسلمان با توجه به آموزه‌های دینی جهت‌گیری اصلی‌اش به سوی فرداست و همه برنامه‌های خویش را در همین راستا تنظیم می‌کند. از این رو، با توجه به دو بُعدی بودن انسان به هر دو نیازهای مادی و معنوی توجه شده است. افزون بر این، ارضای نیازهای مادی از اولویت برخوردار است (8).

پیشینه پژوهش

روایی و عبدلی در پژوهشی با عنوان ارتباط فرهنگ با نظریه نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر مدیریت سود) با استفاده از الگوی هافستد و ابعاد چهارگانه آن به بررسی ارتباط و تأثیر آن بر مؤلفه‌های نظریه نمایندگی یعنی مدیریت سود و کارگریزی کارکنان پرداختند. انتظار بر این بود که شرایط فرهنگی حاکم بر یک جامعه بر این مؤلفه‌ها که جنبه رفتاری دارند، تأثیری مستقیم و مثبت داشته باشد. طبق نتایج پژوهش رابطه‌ای بین مدیریت سود با مؤلفه‌های اجتناب از اطمینان نداشتن، مردگرایی، فاصله قدرت و فردگرایی مشاهده نشده است اما رابطه بین کارگریزی افراد با مؤلفه‌های اجتناب از اطمینان نداشتن، مردگرایی و فردگرایی تأیید شد. هم‌چنین، رابطه مؤلفه فاصله قدرت با متغیر کارگریزی تأیید نشد (12).

اعتمادی و همکاران در پژوهشی با عنوان تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت

نتیجه، رابطه مثبتی بین نظام حسابداری مدیریت و عملکرد مدیر در سازمان‌های فردگرا با فاصله قدرت کم وجود دارد (14).

ستایش و همکاران در راستای ارائه نگرشی جدید نسبت به اصول اخلاقی و شناخت بیشتر عقاید و دیدگاه اخلاقی مدیران، با استفاده از نمونه‌ای شامل 44 نفر از مدیران مالی و بودجه دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور در پژوهشی به بررسی تأثیر سازه‌های فردی و اجتماعی بر درک اصول اخلاقی بین مدیران مالی و بودجه دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور پرداختند. نتایج پژوهش مبتنی بر سازه‌های فردی بیانگر این بود که به طور کلی جنسیت و سن مدیران تأثیر معناداری بر درک اصول اخلاقی مدیران مورد بررسی ندارد. نتایج پژوهش مبتنی بر سازه‌های اجتماعی نیز بیانگر این بود که از بین معیارهای سازه‌های اجتماعی شامل سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، سابقه خدمت و سمت سازمانی مدیران، تنها سابقه خدمت دارای رابطه معناداری با درک اصول اخلاقی در بین مدیران مالی و بودجه دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور بود و سایر موارد تأثیر معناداری بر درک اصول اخلاقی نداشت (15).

دهوی و همکاران با بررسی گزارش‌های مالی شرکت‌های مصری و تحلیل محتوای اطلاعاتی این گزارش‌ها دریافتند که به دلیل بلا تکلیفی (اجتناب از اطمینان نداشتن) و فاصله‌ی قدرت زیادی که بر فرهنگ کشور مصر حاکم است، مدیران مصری تمایل شدیدی به پنهان‌کاری دارند. اطلاعات منتشر شده به وسیله این

بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برخی از جنبه‌های سازمانی اثرگذار بر کیفیت اطلاعات مالی (شامل، فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت) 105 شرکت بورسی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که سه عامل فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها اثرگذارند. از میان این عوامل، ساختار مالکیت کم‌ترین تأثیر مستقیم را بر کیفیت اطلاعات دارد اما مهم‌ترین نقش آن، اثر تعدیل‌شوندگی است که بر ارتباط بین فرهنگ سازمانی و کیفیت اطلاعات مالی و نیز رابطه بین تمرکز مالکیت و کیفیت اطلاعات مالی دارد. به نحوی که هر چه ساختار مالکیت شرکتی خصوصی‌تر باشد، تمرکز مالکیت منجر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی می‌شود. این در حالی است که در شرکت‌های با مالکیت کم‌تر خصوصی، این رابطه برعکس است (13).

اعتمادی و دیبانتی دیلمی در پژوهشی به بررسی آثار فرهنگ سازمانی، مشارکت در بودجه‌ریزی و نظام‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد مدیران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان دهنده وجود رابطه بین مشارکت در بودجه‌ریزی، نظام‌های حسابداری مدیریت و عملکرد مدیران و نیز اثرگذاری فرهنگ سازمانی بر نوع این رابطه است؛ به نحوی که می‌توان نتیجه گرفت در جوامع یا سازمان‌های با فاصله قدرت زیاد و جمع‌گرا، مشارکت افراد در بودجه‌ریزی حتی با وجود اطلاعات حسابداری مدیریت مناسب، موجب موفقیت بالای عملکردی مناسب مدیر نمی‌شود. در

شرکت‌ها به میزان قابل توجهی بسیار کمتر از موارد افشا در استانداردهای بین‌المللی است (16).

عسکری و همکاران در مقاله‌ای آثار ارزش‌های فرهنگی بر عمل حسابداری در ترکیه را با اعمال شاخصه‌های اجتماعی - فرهنگی روی نحوه ارزش‌های حسابداری و تجارب حاصل از نظریه‌گری (1980) بررسی کردند. در مقاله مزبور الگوی حسابداری با حرفه‌گرایی، کیفیت و یکنواختی افشا و خاصه‌های اندازه‌گیری حسابداری در ترکیه کنونی مقایسه شد. ترکیه به لحاظ موقعیت جغرافیایی - سیاسی خود و هم‌چنین، ابعاد فرهنگی‌اش در بین کشورهای توسعه‌یافته، موردی منحصر به فرد است. نتایج این مقاله، نظریه‌گری را مبنی بر رابطه اجتناب از اطمینان‌ناداشتن بالا و فردگرایی پایین به‌طور مثبت با محافظه‌کاری و خاصه‌های اندازه‌گیری حسابداری تأیید کرد. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان داد که فاصله طبقاتی زیاد و اجتناب از اطمینان‌ناداشتن بالا و فردگرایی پایین به‌طور مثبت با یکنواختی حسابداری رابطه دارد. با این حال اجتناب از اطمینان‌ناداشتن و جمع‌گرایی به‌طور منفی بر حرفه‌گرایی و افشا تأثیر دارد (17).

چونگرسوت در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ سازمانی و کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت در تایلد» به بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و کاربرد نوآوری‌های حسابداری مدیریت پرداخت. نوآوری‌های حسابداری که در این مقاله مدنظر قرار گرفت شامل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، مدیریت بر مبنای فعالیت، ارزیابی متوازن و هزینه‌یابی بر مبنای هدف بود. نتایج پژوهش نشان داد که به‌طور کلی

تفاوت معناداری در فرهنگ سازمانی شرکت‌های استفاده‌کننده از این نوآوری و سایر شرکت‌ها وجود ندارد. با این حال، شرکت‌هایی که حساسیت بالاتری نسبت به انعکاس مسائل فرهنگی و یا ارزش‌های انعطاف‌پذیر و یا میل به نوآوری دارند، نیروی بالقوه بالاتری برای بکارگیری نوآوری‌های حسابداری مدیریت از خود نشان می‌دهند (18).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی پیمایشی است که به دنبال شناخت تأثیر ارزش‌های فرهنگ اسلامی بر تغییر شفافیت گزارشگری مالی و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی در سازمان‌های دولتی بخش عمومی است. روش پژوهش جمع‌آوری مبنای نظری متغیرهای فرهنگ، روش تاریخی - کتابخانه‌ای است. افزون بر این روش، از پرسش‌نامه نیز برای جمع‌آوری نظرات حسابداران دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمانشاه و واحدهای تابعه آن استفاده شده است. بعد از تهیه پرسش‌نامه بر اساس منابع معتبر و بررسی و تأیید کارشناسان اهل فن و تأیید به‌وسیله استادان مجرب، روایی آن در سطح مطلوبی مورد تأیید قرار گرفت. اندازه‌گیری ضریب آلفای کرونباخ هر متغیر و هم‌چنین، محاسبه ضریب آلفای کلی آن (0/915) نشان‌دهنده آن است که پایایی پرسش‌نامه مطلوب است. قبل از آزمون فرضیه‌ها با محاسبه آزمون نرمال‌بودن متغیرها، به منظور بررسی نرمال‌بودن توزیع متغیرهای وابسته، با

استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، به ترتیب، در صورتی که سطح معناداری آزمون از 0/05 کمتر باشد فرض نرمال بودن رد شده و متغیرها نرمال نیستند. در اینجا سطح معناداری شفافیت گزارشگری مالی و سطح مسئولیت پاسخ گویی، به ترتیب، 0/333 و 0/338 شد که از 0/05 بیشتر است و نشان دهنده نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش است. در محاسبه انتخاب نمونه با استفاده از رابطه کوکران از میان 160 نفر جامعه آماری کارکنان مالی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه و واحدهای تابعه آن 101 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش نامه‌ها در بین آنها توزیع شد. هم چنین، برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون ساده استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

در خصوص متغیرهای فرهنگ هافستد هم از دیدگاه وی و هم از نظر نگرش فرهنگ اسلامی به طور مختصر تعاریف مربوط در بخش مبانی نظری پژوهش بیان شد. در اینجا به تعریف دو متغیر شفافیت گزارشگری مالی و سطح مسئولیت پاسخ گویی و هم چنین، نحوه اندازه گیری آنها پرداخته می شود. شفافیت گزارشگری مالی: شفاف بودن اطلاعات حسابداری به معنی ارائه اطلاعات حسابداری به گونه‌ای است که محتوای آشکاری داشته باشد (19). با توجه به مبانی نظری شفافیت گزارشگری مالی در حسابداری براساس مربوط بودن، به موقع بودن و جامع بودن اطلاعات اندازه گیری می شود. در پرسش نامه با طرح سؤال‌هایی

در باره این مؤلفه‌ها شفافیت اندازه گیری شد. سطح مسئولیت پاسخ گویی: مسئولیت پاسخ گویی وظیفه‌ای است که در اجرای آن اشخاص دلایل و توضیحات قانع کننده‌ای برای ایفای مسئولیت‌هایی که به عهده داشته‌اند، فراهم می آورند و گزارش‌های لازم را ارائه می کنند (20). میزان این سطح بر اساس قابل درک بودن، مرتبط بودن، پایایی و قابل مقایسه بودن و هم چنین در نظر گرفتن این امر که هزینه فراهم کردن اطلاعات نباید از منفعت آن بیشتر باشد (21) اندازه گیری می شود. این مؤلفه‌ها در پرسش نامه با طرح سؤال‌هایی در این رابطه اندازه گیری شد.

با توجه به مباحث بیان شده درباره‌ی ابعاد فرهنگی مطرح شده به وسیله هافستد و بسط این ابعاد به فرهنگ اسلامی و هم چنین، با توجه به پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور در بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی هافستد بر رویه‌های مختلف حسابداری و انتخاب چهار بُعد از ابعاد فرهنگ هافستد فرضیه‌های پژوهش بر اساس مؤلفه‌های ارزش‌های اسلامی به صورت زیر مطرح می شود:

1. با توجه به نگرش اسلام بُعد فاصله قدرت می تواند بر شفافیت گزارشگری و سطح مسئولیت پاسخ گویی تأثیر مثبت و معنادار داشته باشد.
2. با توجه به نگرش اسلام بُعد مرد گرایی می تواند بر شفافیت گزارشگری و سطح مسئولیت پاسخ گویی تأثیر مثبت و معنادار داشته باشد.
3. با توجه به نگرش اسلام بُعد فرد گرایی می تواند بر شفافیت گزارشگری و سطح مسئولیت پاسخ گویی تأثیر مثبت و معنادار داشته باشد.

4. با توجه به نگرش اسلام بُعد اجتناب از اطمینان‌نداشتن می‌تواند بر شفافیت گزارشگری و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی تأثیر مثبت و معنادار داشته باشد.

بدست آمده هر متغیر بیشتر از سه باشد دلیل بر تأیید وجود آن است. با میانگین بدست آمده از این چهار متغیر بر وجود مردگرایی، جمع‌گرایی، فاصله قدرت و اجتناب از اطمینان‌نداشتن در نمونه انتخاب شده حسابداران دانشگاه‌های علوم پزشکی تأیید شد. نتایج بدست آمده در خصوص میانگین متغیرهای فرهنگ در جدول شماره 1 آمده است.

همان‌طور که در جدول‌های شماره‌های 2 و 3 مشاهده می‌شود ضریب رگرسیونی خطی ساده میان

در ابتدا برای بدست آوردن اینکه چهار متغیر ذکر شده در قبل در نمونه انتخاب شده وجود دارد به بررسی آماری آن پرداخته می‌شود. اگر میانگین

یافته‌های پژوهش

جدول 1: میانگین متغیرهای فرهنگ

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مردگرایی	101	3/5149	0/63513
فردگرایی	101	3/3307	0/41899
اجتناب از اطمینان‌نداشتن	101	3/6099	0/57437
فاصله قدرت	101	3/4752	0/35542

جدول 2: محاسبه ضرایب رگرسیونی بین شفافیت و ارزش‌های فرهنگی

متغیر	تعداد	ضریب	سطح معناداری	الگو رگرسیونی
مردگرایی	101	0/232	0/000	$Y = 2/908 + 0/232 X_3$
فردگرایی	101	0/338	0/001	$Y = 2/599 + 0/338 X_2$
اجتناب از اطمینان‌نداشتن	101	0/283	0/000	$Y = 2/703 + 0/283 X_4$
فاصله قدرت	101	0/357	0/000	$Y = 2/482 + 0/357 X_1$

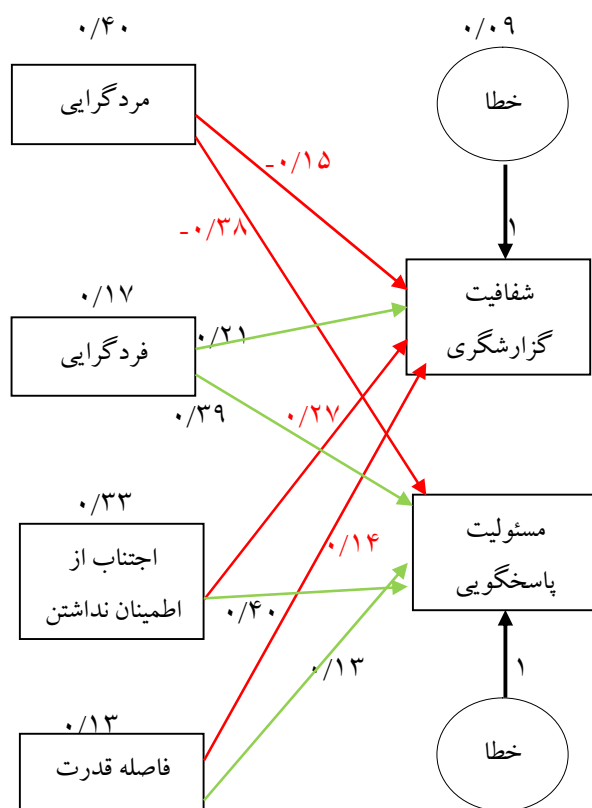
جدول 3: محاسبه ضرایب رگرسیونی بین سطح مسئولیت پاسخ‌گویی و ارزش‌های فرهنگی

متغیر	تعداد	ضریب	سطح معناداری	الگو رگرسیونی
مردگرایی	101	0/218	0/002	$Y = 2/940 + 0/218 X_3$
فردگرایی	101	0/346	0/001	$Y = 2/554 + 0/346 X_2$
اجتناب از اطمینان‌نداشتن	101	0/276	0/000	$Y = 2/711 + 0/276 X_4$
فاصله قدرت	101	0/357	0/000	$Y = 2/401 + 0/375 X_1$

الگوی آماری

پس از محاسبه تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر دو مقوله شفافیت و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی با استفاده از الگوی آماری به بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته مربوطه پرداخته می‌شود. الگویی که در شکل شماره 1 آمده است تأثیر متغیرهای مستقل را بر متغیرهای وابسته نشان می‌دهد. در این الگو ضریب رگرسیونی میان متغیر مستقل اجتناب از اطمینان نداشتن و متغیر وابسته مسئولیت پاسخ‌گویی 0/40 است و واریانس متغیر اجتناب از اطمینان نداشتن 0/33 است. سایر مقادیر را می‌توان به همین روش تفسیر کرد.

متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته مقاداری مثبت است. در استفاده از رگرسیون باید توزیع متغیر وابسته نرمال باشد. همان‌طور که در بخش‌های قبل ذکر شد متغیرهای وابسته پژوهش نرمال بودند. بنابراین، با استفاده از ضریب رگرسیون به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش پرداخته شد. در محاسبه رگرسیون در زمانی که ضریب رگرسیون بین دو متغیر مستقل و وابسته مقاداری مثبت به دست آید، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه مربوط تأیید می‌شود و نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته پژوهش است. بنابراین، تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود.



شکل 1: رابطه فرهنگ، شفافیت و پاسخ‌گویی

داده شده مناسب و در صورتی که از 0/1 بالاتر باشد الگوی برازش داده شده ضعیف است. همان‌طور که در جدول شماره 4 در زیر مشاهده می‌شود مقادیر نشان‌دهنده مناسب‌بودن الگو است.

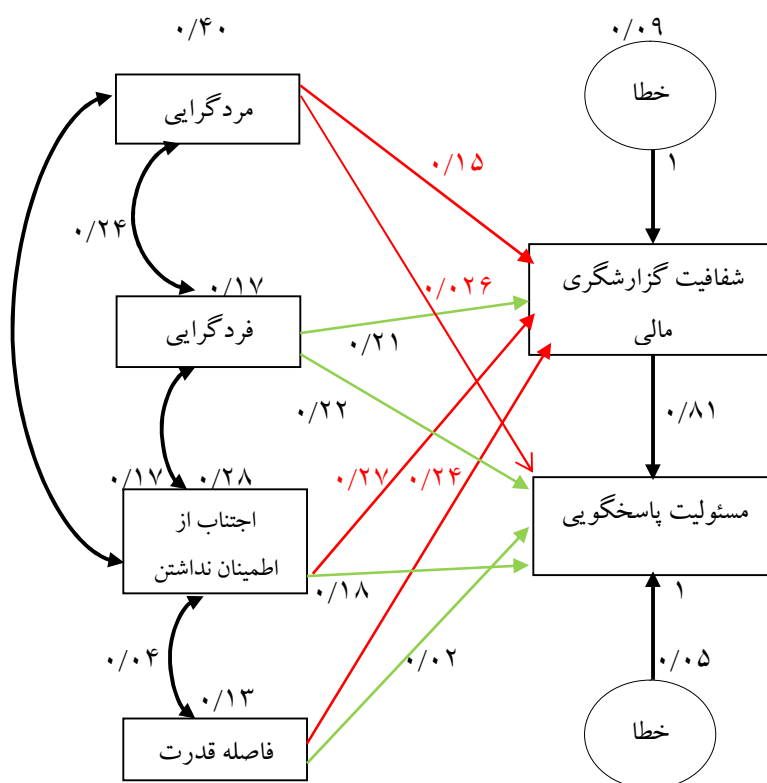
الگوی اکتشافی

با توجه به مناسب نبودن الگوی مشخص شده در شکل 1 در اینجا الگویی ارائه می‌شود که مقدار آماره

نتیجه بررسی مناسب بودن الگوی ارائه شده در شکل شماره 1 در جدول شماره 4 آمده است. اگر مقادیر شاخص‌های ذکر شده در جدول به عدد یک نزدیک باشد نشان‌دهنده مناسب‌بودن الگوی آماری این پژوهش است. هم‌چنین، در صورتی که مقدار میانگین مربعات خطای برآورد از 0/05 کم‌تر باشد به این معنا است که الگو بسیار مناسب است. در صورتی که مقدار آن بین 0/05 تا 0/08 باشد، الگوی برازش

جدول 4: تعیین مناسب‌بودن الگوی آماری

ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	شاخص برازش مقایسه‌ای تعدیل یافته	شاخص برازش افزایشی	شاخص برازش نسبی	شاخص برازش نرمال شده	الگوی آماری
0/153	0/283	0/296	0/240	0/295	الگوی آماری



شکل 2: الگوی اکتشافی

مورد استفاده قرار گیرد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی اسلامی بر پایه ابعاد هافستد بر مقوله شفافیت گزارشگری مالی و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی است. در این بررسی تأثیر چهار بُعد فرهنگ (مردگرایی، فردگرایی، اجتناب از اطمینان نداشتن و فاصله قدرت) بر دو مقوله شفافیت و پاسخ‌گویی به صورت آماری مثبت و معنادار تأیید شد. براساس یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش و متغیرهای فرهنگی هافستد نتایج زیر بدست آمد.

1. در فرضیه اول با توجه به تأثیر مثبت و معنادار فاصله قدرت بر دو مقوله شفافیت و پاسخ‌گویی از دیدگاه فرهنگ اسلامی، فاصله قدرت ارتباط مستقیمی با مباحث سیاسی و اجتماعی دارد. ناموزون بودن اجزای سازمان، بی‌عدالتی و وجود تبعیض، رعایت نشدن حقوق افراد، قراردادن هر چیزی در جای خود باعث ایجاد نابرابری‌ها شده و باعث از بین رفتن برابری در جامعه می‌شود. وجود این ویژگی‌ها در حسابداران می‌تواند فرایند شفافیت گزارشگری و مسئولیت پاسخ‌گویی را تحت تأثیر قرار دهد.

2. در فرضیه دوم با توجه به تأثیر مثبت و معنادار مردگرایی بر دو مقوله شفافیت و پاسخ‌گویی از

خی دو آن کم‌تر و معیارهای مناسب الگوی آن از الگوی اول بهتر باشد. به این منظور از تحلیل اکتشافی استفاده می‌شود. این الگو در شکل شماره 2 آمده است. در این تحلیل همبستگی بین متغیرهای «مردگرایی و فردگرایی»، «جمع‌گرایی و اجتناب از اطمینان نداشتن»، «اجتناب از اطمینان نداشتن و فاصله قدرت» و «اجتناب از اطمینان نداشتن و مردگرایی»، رابطه رگرسیونی میان متغیرهای مسئولیت پاسخ‌گویی و شفافیت گزارشگری مالی به الگو اضافه می‌شود. جدول شماره 5 مناسب بودن الگوی اکتشافی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که هر کشوری فرهنگ ملی منحصر به فرد خود را دارد، نمی‌توان رابطه‌ای را بیان کرد که برای تمامی جوامع به صورت کامل مصداق داشته باشد. از طرف دیگر، کشور ما نیز با دارا بودن فرهنگ اسلامی که برخاسته از دین حاکم بر جامعه است، فرهنگی است که افزون بر جامع بودن، می‌تواند فرهنگی ملی و جهانی به شمار آید. بنابراین، لازم است که در بررسی جوانب مختلف تأثیرگذار بر رویه‌های مختلف حسابداری جنبه فرهنگی بر اساس ارزش‌های اسلامی

جدول 5: تعیین مناسب بودن الگوی اکتشافی

شاخص برازش نرمال شده	شاخص برازش نسبی	شاخص برازش افزایشی	شاخص برازش مقایسه‌ای تعدیل یافته	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	الگو
0/975	0/810	0/978	0/978	0/030	الگوی اکتشافی

دیدگاه فرهنگ اسلامی، نقش اجتماعی افراد بر حسب جنسیت به روشنی تفکیک شده است و علل تمایل جامعه به سمت صفات، ویژگی‌ها و ارزش‌های مردانه و برهم خوردن تعادل نقش‌های اجتماعی در جامعه، کسب استقلال اجتماعی، اقتصادی و آزادی عمل بیش‌تر است که همه افراد جامعه صرف نظر از جنسیت اشخاص را به این سمت متمایل می‌کند.

3. در بررسی فرضیه سوم مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار فردگرایی بر دو مقوله ذکر شده این نتیجه حاصل شد که براساس فرهنگ اسلامی هم فرد و هم جامعه حائز اهمیت است. از یک طرف اصالت، شخصیت و قابلیت‌های فرد را محترم می‌داند و از طرف دیگر هم بر جمع‌گرایی و تشکیل جماعت تأکید می‌کند. جامعه و هنجارهای آن بر فرد اثر می‌گذارد، استقلال فرد محفوظ است و او می‌تواند جامعه‌ی خودش را عوض کند. پذیرش هر گونه هنجار و قاعده اجتماعی از سوی افراد، آن‌ها را به سوی اجرای ناصحیح احکام اجتماعی می‌کشاند و از طرف دیگر، فردگرایی به معنایی که هافستد ذکر کرده است طبق ارزش‌های فرهنگ اسلامی کاملاً رد و مذموم است و فرد با رشد ارزش‌های اسلامی هم در برابر خود و هم تمام افراد جامعه مسئول است.

4. با توجه به نتیجه فرضیه چهارم که تأثیر مثبت و معنادار بودن اجتناب از اطمینان نداشتن را بر دو مقوله شفافیت و پاسخ‌گویی تأیید می‌کند، طبق ارزش‌های دینی علل این پرهیز از ابهامات، نگرانی

از آینده مبهم و تاریک، باورهای نامعقول، خدا فراموشی، خود فراموشی، حس حقارت و پوچی، خطرگریزی و ضعف علمی است. هر چه این ارزش فرهنگی در افراد تقویت شود به همان میزان بحث شفافیت در ارائه گزارش‌های جامع و واقعی و به تبع آن حس ادای وظیفه مسئولیت پاسخ‌گویی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، ارزش‌های فرهنگ اسلامی ما را به هشیاری و سخت‌کوشی در برابر ابهامات دعوت می‌کند و این‌که برخی ابهامات وقوع قطعی دارند و مستلزم پذیرش اصل قطعیت در کنار قطعیت‌نداشتن در شکل‌گیری آینده است. افزون بر این، در دین اسلام اصولی وجود دارد که از طریق قرآن و تعالیم اهل بیت، امکان فهم ما از آینده و چگونگی نیل به آینده مطلوب را در مقابل نگرانی‌ها، ابهامات و تهدیدات در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

در پایان پیشنهاد می‌شود که برای تقویت ارزش‌های فرهنگی در میان حسابداران، به بررسی علل ضعف ارزش‌های فرهنگ اسلامی و راهکارهای بهبود آن در میان حسابداران پرداخته شود.

تشکر و قدردانی

با توجه به اینکه بخشی از این مقاله بر اساس پایان نامه جناب آقای وحید عوقی انجام شده است که به بررسی ابعاد هافستد بر پایه ارزش‌های فرهنگ

پایان نامه وی تشکر و قدردانی نویسندگان ابراز شود.

اسلامی پرداخته‌اند، لازم می‌دانیم بابت همکاری ایشان و هم‌چنین اقتباس اطلاعات مفید و جامع از

References

1. Akbari, S. (2010) "The Concept of Accountability in Government Accounting System", Available at: <http://jit.blogfa.com/post-286>. [Online] [17 October 2011]. [In Persian]
2. Douppnik, T. S. and S. B. Salter (1995). "External Environment and Accounting Practice: A Preliminary Test of General Model of International Accounting Development". *The International Journal of Accounting, Education and Research*, Vol. 30, No. 2, pp. 189-207.
3. Gray, S. J. and H. M. Vint (1995). "The Impact of Culture on Accounting Disclosures: Some International Evidences". *Asia-Pacific Journal of Accounting*, Vol. 21, pp. 33-43.
4. The Role of Culture in Accounting Development (2011). Available at: <http://tebyan-zn.ir>, [Online] [08 March 2012] [In Persian].
5. Babajani, J. (2011). "A Comparative Study of Fulfilment, Faliure, and Evaluation of Financial Accountability through Public Financial Reporting in the Last Century". *Jorunal of Audit Science*, Vol. 44, pp. 37-72. [In Persian]
6. Ladary, G. (2009). "Transparency, Accountability, Competition and the Role of Organizational Leaders". *Ecnomic World Newspaper*, No. 1803, [Published] [21 May 2009]. [In Persian]
7. Hofsted, G. (2001). *Cultures Consequanece*. 2nd Edition, London: Sage Publications.
8. Oghie, V. (2009). "Explaining the Cultural Indicators of the Reappearance Era Based on Management Perspective". *M. A. Thesis, The Institute of Imam Khomeni Education*. [In Persian]
9. Baladasteyan, M. A. (2001) "The Main Origin and Features of Culture". *M. A. Thesis, The Institute of Imam Khomeni Education*. [In Persian]
10. Oghie, V. (2011). "Power Distance from the Culture of Mahdist Society Perspective". *Journal of Culture and Management Reserach*, No. 1, pp. 95-126. [In Persian]
11. A Group of Translators under the Supervision of Khoram Shahi, B. (1995). *Culture and Religion*. 1th Edition, Tehran: Tarhe Now. [In Persian]
12. Royae, R. and M. Abdoli (2009). "The Relation of Culture with Modular Repersentation Theory Based on Earnings Management Approach". *Journal of Cultural Management*, No. 3, pp. 1-19. [In Persian]
13. Etemadi, H.; Babajani, J.; Azar, A.; and Z. Diyanti Deilami (2009). "The Effect of Organizational Culture, Ownership Concentration, and Ownership Structure on the Quality of Financial Information of the Companies Listed on the Tehran Stock Exchange". *Journal of Iranian Management Sciences*, No. 15, pp. 59-85. [In Persian]
14. Etemadi, H. and Z. Dianati Deilami

- (2009). "Studying the Effects of Organizational Culture, Budgetary Participation, and Managerial Accounting Systems on Managers' Performance". *Human Sciences Modares*, No. 4, pp. 35-60. [In Persian]
15. Setayesh, M. H.; Maher, M. H.; and M. Abolhalaj (2012). "The Effect of Personal and Social Components on the Perception of Moral Principles among Financial and Budgetary Managers of the Medical Sciences Universities of Iran". *Journal of Health Accounting*, No. 1, pp. 17-32. [In Persian]
16. Dahawy, K.; Meerino, D. B.; and T. L. Conover (2002). "The Conflict between IAS Disclosure Requirement and the Secretive Culture in Egypt". *Advances in International Accounting*, Vol. 5, pp. 203-228.
17. Askary, S.; Yazdifar, H.; and D. Askarany (2008). "Culture and Accounting Practices in Turkey". *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, Vol. 5, No. 1, pp. 66-88. [In Persian]
18. Chongruksut, W. (2009) "Organizational Culture and the Use of Management Accounting Innovations in Thailand". *Ramkhamhaeng University International Journal*, Vol. 3, No. 1, pp. 93-101.
19. Heritage, H. (2007). *The American Heritage College Dictionary*. 4th Edition, Houghton: Mifflin Har Court.
20. Babajani, J. (1999) "The Features of Government Accounting and Financial Reporting". *Journal of Asia Assurance*, No. 13, pp. 73-80. [In Persian]
21. Babajani, J. (2007). *Accounting and Governmental Financial Controls*. 5th Edition, Tehran: Allameh Tabataba'i University Publishers. [In Persian]